

<div>پایگاه خبری رسانه‌ای پامه‌سالوویه</div>	
<div>سازمان رسانه‌ای پامه‌سالوویه</div>	
	
صاحب‌امتیاز:	مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز
مدیر مسئول:	مازیار هوشمند
سر‌دبیر:	علی هوشمند
مدیر گرافیک:	فاطمه فیضلی
صفحه آرا:	محمد عباسی
نشانی دفتر مرکزی:	بوشهر - خیابان طالقانی - بعد از پمپ بنزین وزیری - ساختمان شاتل - طبقه اول- واحد ۲
تلفن:	۰۹۱۷۶۶۰۵۵۲
نمابر:	۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱
پست الکترونیکی:	<div><div><div><div><div><div></div><div><div>payameasalooye@gmail.com</div></div></div></div><div><div></div>p.asalooye@gmail.com</div></div></div><div><div></div>payameasalooye.ir</div></div>

این نامه اخلاق حرفه ای روزنامه ایم عسلاوویه را در payameasalooye.ir بخوانید

شماره ۱۴۰۵ ◀ دوشنبه ۹ خرداد ماه ۱۴۰۱

رتبه ۴

امتیاز ۴۳/۲

یادداشت



جواد متین

نمایش "پانزده سال آینده"

متن نمایش "پانزده سال..." از دسته آثار دارای تز اجتماعی است که سعی می‌کند بر بستر حوادث واقعی و مستند اجتماع استوار باشد. اصولا مهدی کوشکی با علاقه وافر به این موضوعات دست به تولید آثار خود می‌زند و اصطلاحا با کالبدشکافی ترومای اجتماعی، ابعاد مختلف حوادث را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در آثای کوشکی امر خشونت علاوه بر زیباشناختی و تهییج مخاطب، ابزار دریاچه ورود به ارتباط موثر با وی نیز به شمار می‌رود. چرا که نیمه تاریک وجود خود را در این آثار می‌بیند. دقیقا مثل زمانی که از خیابان عبور می‌کند و لختی به تماشای نزاعی خیابانی می‌ایستد و با فرافکنی و همذات‌پنداری نیمه تاریک خود را در یک طرف دعوا قرار می‌دهد و حظ می‌برد. تو گویی جنگ گلدایاتورها با حیوانات وحشی در یونان باستان را به تماشا نشسته است. این گونه نمایش‌ها که پا در واقعیت داشته و بر اساس صفحه حوادث جراید تولید می‌شوند در ایران بیشتر با نام تئاتر مستند و نمایشنامه‌های انتقال اجتماعی شناخته می‌شود که البته نام مناسبی برای این ژانر محسوب نمی‌شود. نوعی جنون را جار می‌زنند. تو گویی کاراکتر نظم موجود را به هم ریخته و مانیفست نویسنده را در قالب حرف‌های گنده‌ای که می‌زند، صادر می‌کند. آموزه‌های سیاسی ارائه نمی‌دهند. نویسنده پیشنهاد فکر می‌دهد، اما راه حل ارائه نمی‌دهد. عمده مسائل زن و مرد است و عوالم صغیر را مطرح می‌کند نه مسائل کبیر. تز ارائه می‌دهد و مقداری بذر تفکر می‌کارد. کاراکترها مردم از طبقه‌های مختلف هستند.



باری پیشتر از این نمایش‌های دکلهر، ولین، به خاطر یک مشت پول، کالیگولا، هفتمین جان سگ، شک، ملکه زیبای لیبین و ... را از مهدی کوشکی دیده بودم و موتیف مشترک آثار وی را در قالب نمایش‌های دارای تز اجتماعی به حساب می‌آورم. این گونه نمایش‌ها قرار است حرفی از طبقه خاصی از جامعه را بازتاب دهند. درد مشترکی را واکاوی کنند تا شاید مخاطب راه حلی برای اصلاح برگزیند. هرچند نمایش‌های مهدی کوشکی عمدتا به تفاخر و سانتیمانالیسم دچار شده و به شکلی شدیدا انتزاعی و روشنفکر مآبانه از مخاطب ایرانی فاصله می‌گیرد. نمایش "پانزده سال آینده" روایت سروان بردباری از آن چیزی است، که در زندگی خانوادگی و شغلی‌اش از سر گذرانده است. بر خلاف نام نمایش که تعدما آینده است ما شاهد روایت گذشته هستیم. انگار همه چیز باید خلاف واقع باشد. بردباری آنچه‌ان بردبار نبوده و بی نظمی موجود را برهم زده و با انجام قتل بی‌نظم‌تر کرده است. در اجرا نیز این بی‌نظمی و دفرمه بودن فضا، نور و دکور بر این نئورالیسم بودن قرار است تاکید کند. خوب می‌دانیم نئورالیسم قرار بود بیش از هرچیز دغدغه فقر، محرومیت و فلاکت گسترده ایتالیای پس از جنگ را نشانمان دهد. حال اینکه آیا در "پانزده سال..." نیز قرار است زندگی قهرمانانه سروان بردباری نابردبار را نشانمان دهد، یا اینکه قرار است بی‌بندوباری گسترده اجتماعی را به نمایش بگذارد و تز این نمایش برخورد قاطع با آن باشد؟ در نمایش‌های از این دست حکمی که صادر می‌شود قاطع و بر اساس برهان‌های علمی، قانونی، انسانی و یا ایدئولوژیک است. بد بد است. و خوب خوب. این میان پدیده‌ای بلاتکلیف باقی نمی‌ماند. قانون یا مذهب حرف اول یا آخر را می‌زنند. بنابراین تکلیف مخاطب با موضوع این نمایش روشن است. اثبات لزوم اجرا و عمل به محتوای کتاب خرده قوانین اجتماعی برای زندگی سعادت‌مندان و داشتن اجتماعی شرافتمندانه. اما اینکه شخصیت پردازی و عناصر موثر در شکل‌گیری درام در این نمایش اینقدر قدرت ندارند تا موضوع منعقد شود و درام به شکل غائی خود درآید از ضعف‌های نوشته به شمار می‌رود. بردباری در حد تیپ باقی مانده و به کاراکتری با ابعاد و وجوه مختلف شخصیتی تبدیل نمی‌شود. هر چند بازی خوب مجتبی محمدیان این شخصیت را باورپذیر کرده است اما همچنان درام نه در متن و نه در اجرا و نه در ذهن مخاطب به صورت کامل شکل نمی‌گیرد. و در حد خطابه باقی مانده، هر چند این گونه روایت خود به مثابه گونه‌ای از درام مدرن به شمار می‌رود. البته باید اضافه کرد علیرغم تلاش درخشان و خلاقانه کارگردان به دلیل خطابه بودن فرم روایت موقعیت نمایشی هیچ گاه به وضعیت نمایشی بدل نمی‌شود. در پایان تلاش تیم اجرایی برای تولید اثری استریلیزه و با جهان نشانه‌شناسانه مبتنی بر محتوا را قابل تحسین دانسته و در شرایط فعلی قابل قبول می‌دانم و برای ایشان آرزوی موفقیت دارم.

این نمایش در نیمه اول اردیبهشت امسال در پلاتو چکاسه شهر جم و پیشتر نیز(سال۱۳۹۷) با بازی مهدی محمدی در تالار سایه تئاتر شهر تهران به روی صحنه رفته بود که امروز نیز در بندر دیر مجددا برای علاقمندان به تاتر به نمایش گذاشته می شود.

یادداشت

سریال جیران بیگانه با روح زمانه

محمد علی بهمنی قاجار

سریال جیران صرفا یک روایت انحرافی و اغراق پردازانه از داستانی تاریخی نیست ، بلکه با روح تاریخ مرتبط با سریال بیگانه است ، اگر سریال جیران را با سریال امیر کبیر ساخته سال ۱۳۴۳ ، مقایسه کنیم ، میزان عقب گرد در یک اثر نمایشی تاریخی ، تکان دهنده و عظیم است، سریال هیچ تلاشی ندارد که حداقل با روح زمانه اش هماهنگ گردد ، لباس ها ، جقه ناصرالدین شاه ، یونیفورم نظامیان ، القاب و طرز خطاب شاه و رجال و حتی ادبیات عامیانه خانواده و دوستان جیران و سبک زندگی هیچ کدام هیچ گونه ربطی به دوره ناصرالدین شاه و جیران ندارد ، مرحوم علی حاتمی اگر سلطان تحریف تاریخ براساس روایت مطلوب خودش بود و در واقع آن چه خود می خواست را به عنوان تاریخ به بیننده عرضه می کرد، حداقل روح زمانه اش را به تصویر می کشید ، ناصرالدین شاه در زمان عاشق جیران شدن بیست ساله است ، اما بازیگر سریال فعلی حداقل ۴۰ ساله می خورد ، زمان آشنایی شاه و جیران در عصر صدارت امیر کبیر است ولی در سریال ، آشنایی بعد قتل امیر کبیر است ، در زمان جیران هنوز شمس العماره وجود نداشته، ناصرالدین شاه از قتل امیر کبیر متأثر بوده ولی یقه هرکی را می دیده نمی گرفته و از مرگ امیر شیون نمی کرده است، شاهی که بخواهد خود را از پشت بام به پایین بیاندازد هم این قدر در نظر مردم دیوانه جلوه خواهد کرد که نتواند پنجاه سال سلطنت نماید، حال از همه این اشتباهات بگذریم ، سریال از منظر آداب و رسوم و لباس و تزئینات، ادبیات و در یک کلام سبک زندگی هیچ پیوندی با دوره ناصرالدین شاه ندارد ، کم مانده بود جیران در میان لفاظی هایش با دوست پسر خیالی ، ترانه ای از تتلو هم بخواند و در میان این همه بیگانگی با عصر و زمانه جیران ، دیگر توقع پابندنی به تاریخ و وقایع تاریخی انتظاری زیادی است .

در مجموع دیدن سریال آب سردی بود بر انتظاراتی که پس از این همه تبلیغ نسبت به سریال ایجاد شده بود.

خبر

کارزارِ پس گرفتن شبکه نمایش خانگی از صداوسیما



۴ هزار و ۲۰۰ هنرمند و سینماگر با پیوستن به یک کارزار، از رئیس‌جمهور درخواست کردند مدیریت شبکه نمایش خانگی از دست صداوسیما خارج شود.

گروهی از هنرمندان و سینماگران، در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی، رییس دولت سیزدهم، از او درخواست کردند مدیریت شبکه نمایش خانگی از ساترا که زیرمجموعه سازمان صداوسیماست، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگردد.

در بخشی از این نامه آمده است:

«... در دولت قبل برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر آن شدند تا مسئولیت شبکه نمایش خانگی را به سمت سازمان صدا و سیما سوق دهند... آن‌ها با طرح این موضوع در مجلس و بدون انجام کار کارشناسی دقیق در مورد این نقل و انتقال، موفق شدند سکان مدیریت و اختیارات حوزه نمایش خانگی را از وزارت ارشاد سلب و در اختیار سازمان صدا وسیما قرار دهند.»

این هنرمندان و سینماگران در ادامه با اشاره به «وضعیت اسفناک حاکم بر شبکه نمایش خانگی که منجر به بیکاری نزدیک به ۶ هزار نفر و ضرر و زیان قریب به دوهزار میلیارد تومان برای سینمای کشور شده است»، خواستار بازگشت مدیریت شبکه نمایش خانگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شدند.

تا کنون، بیش از چهار هزار و ۲۰۰ هنرمند و سینماگر از جمله علیرضا داودنژاد، فاطمه معتمدآریا، کیومرث پوراحمد، محسن تانینده، ابوالحسن داودی، گلاب آدینه، مهتاب کرامتی، محمدعلی نجفی، علی سرتیپی، جواد نوروزبیگی، جمال ساداتیان، نرگس آبیار، بیژن امکانیان، پرویز فلاحی‌پور، علی رزکان، مصطفی کبیایی، فرشته صدرعرفایی، بهنوش طباطبایی، هاتف علیمردانی، ستاره پسیانی، احمد بهرامی، پانته‌آ بهرام، مهتاب نصیرپور، منیر قیدی، رویا تیموریان، الهام کردا، مستانه مهاجر، امیر دژاکام، علی شادمان، غزل شاکری و ... این نامه را امضا کرده‌اند.

خبر

تهدید مهلت ارسال آثار به جشنواره عکس ورزشی ایران



مهلت ارسال آثار به پنجمین جشنواره بین‌المللی عکس ورزشی ایران تا پایان روز دهم خردادماه تمدید شد.
به گزارش روابط عمومی جشنواره، تاکنون عکاسان ۵۲ کشور آثار خود را به پنجمین جشنواره بین‌المللی عکس ورزشی ارسال کرده‌اند و از آنجا که دآوری آثار از ۱۱ خرداد ماه آغاز می‌شود، فرصت ارسال عکس به این رویداد تا پایان روز سه شنبه، دهم خردادماه ۱۴۰۱ تمدید شد.

علاقه‌مندان برای مطالعه فراخوان و ثبت‌نام می‌توانند به سایت جشنواره عکس به نشانی **www.sport.photo.salon** مراجعه کنند.

پنجمین جشنواره بین‌المللی عکس ورزشی ایران با همکاری کلوب عکس فوکوس، نمایندگی فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فی‌آپ) و انجمن خبرنگاران و عکاسان ورزشی ایران در سه بخش اصلی برگزار می‌شود و جوایز نقدی علاوه بر پادمان و تندیس جشنواره به آثار برگزیده اهدا خواهد شد.
سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی ایران و پنجمین جشنواره بین‌المللی عکس ورزشی ایران با حمایت کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون ورزش‌های روزخانه‌ای و کشتی پهلوانی در بخش خصوصی و به همت موسسه فرهنگی هنری خانه هنر خیام تیرماه ۱۴۰۱ همزمان با هفته المپیک برگزار می‌شود.

یادداشت



رضا تاجگر

چهل روز از درگذشت زنده‌یاد استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن گذشت و ضایعه‌ای دیگر اما اسفناک و عمیق بر رُفایِ ساحت فرهنگ و ادب ایران‌زمین باقی ماند و جملگی فرهنگ‌دوستان و علاقمندان به ادب فارسی را داغ‌دار کرد.

استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، بیش و پیش‌از آن‌که به‌عنوان حقوق‌دان مطرح باشد، ادیب بود و شاعر و نویسنده و مترجم. با عضویت در هیأت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، کرسیِ استادی را در دروسی هم‌چون "ادبیات تطبیقی" و "مکتب‌های ادبی جهان" کسب کرد و تا سال ۱۳۹۸ که از همین دانشگاه بازنشسته شد، بیشترین درس‌هایی را که تدریس کرد، در زمینه ادبیات بود تا دروس تخصصی حقوق؛ هرچند که در اوان جوانی از دانشکده حقوق دانشگاه سوربن فرانسه به درجه دکتری حقوق بین‌الملل رسیده بود. اما او ادیب بود.

از همان دوریِ نوجوانی به شعر و زبان و ادبیات فارسی علاقه‌ای وافر داشت. نخستین شعرهای استاد به سال‌های دوازده‌سیزده سالگی‌اش می‌رسد. از مجله‌ی "سخن" گرفته تا این اواخر که نقدهای ادبی و مقالاتش را روزنامه‌ی "اطلاعات" منتشر می‌کرد، نشان می‌دهد که پیشینه و علاقمندیِ حضرت استاد حکایت از این داشت که او عمر با برکت خویش را در تحقیق و پژوهش آثار علمی و ادبی ایرانیان و ترجمه‌ی آثار دیگر نویسندگان ادبیات جهان و هم‌چنین نقد و ارزیابی آثار فرهنگی و ادبی ایران و جهان، گذراند. بنا بر این، استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، ادیب بود.قانون اساسی ما، پیش‌از آن‌که به حقوق ملت بپردازد، در فصل دوم، به زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور اختصاص داده شده است. اصل پانزدهم قانون اساسی تصریح می‌دارد که؛ "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید

«

کپی‌کارانی که مجوز دارند!

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران با اشاره به گله ناشران از عرضه کتاب‌های کپی در سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران می‌گوید: این کتاب‌ها شکل قانونی داشتند و با مجوز چاپ شده‌اند.به گزارش ایسنا، سال‌های سال است که اقتصاد زیرزمینی صنعت نشر و چاپ غیرقانونی کتاب‌ها که با عنوان قاچاق کتاب وارد ادبیات نشر شده، این صنعت را تهدید می‌کند. سودگران کتاب در کنار کتاب‌هایی که بعضا مجوز نشر ندارند، کتاب‌های پر فروش ناشران دیگر را منتشر و عرضه می‌کنند. آن‌ها این کتاب‌ها را در تیراژهای بالا چاپ می‌کنند و در کف خیابان‌ها و بساط دست‌فروشان، در ایستگاه‌های مترو یا در نمایشگاه‌ها، پارک‌ها و مکان‌های عمومی فرهنگی شهری در تهران و شهرستان‌ها و عمدتا با استفاده از حربه سانسور به فروش می‌رسانند. عرضه سبکی دیگر از کپی کار که معمولاً مطالب از کتاب دیگر با روشی ناقص رونویسی می‌شود و با قیمت بسیار بالاتر عرضه می‌شود و همچنین ارائه کتاب‌های سایر ناشران بدون داشتن نمایندگی در نمایشگاه‌های استانی کتاب و نمایشگاه کتاب تهران سابقه دارد که با ورود ناظران جمع‌آوری می‌شدند اما امسال در سی و سومین نمایشگاه کتاب تهران از روزهای آغازین تا روزهای پایانی شاهد عرضه گسترده کپی کتاب‌های پر فروش ناشران بودیم. مبارزه با کتاب‌های قاچاق و کتاب‌های کپی به عنوان یکی از فعالیت‌های اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران در قالب کارگروه صیانت از حقوق ناشران، مولفان و ناشران تعریف شده است.هومان حسن‌پور، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در گفت‌وگو با ایسنا در رابطه به عرضه گسترده کتاب‌های کپی در نمایشگاه کتاب و اقدامات این اتحادیه اظهار کرد: امسال خانه کتاب و ادبیات مجری نمایشگاه کتاب بود و اتحادیه در نمایشگاه نقش اجرایی نداشت اما مشکلاتی را که می‌دیدیم به دوستان منعکس می‌کردیم. گزارش‌های زیاد و مکرری از همکاران در این رابطه داشتیم. آن‌ها می‌گفتند حدود چندده ناشر هستند که همه کتاب‌های مشابه دارند و پرفروش‌ترین کتاب‌های ناشران دیگر را چاپ کرده بودند، در جاهای مختلف نمایشگاه هم پخش شده بودند. این کتاب‌ها مجوز ارشاد گرفت و به اسم نشر و مترجم دیگری چاپ شده بودند، این‌که بگوییم این متن کپی است، نیاز به مباحث کارشناسی دارد اما ظاهر کتاب‌ها غیرقانونی است که وجه قانونی دارد و با مجوز ارشاد منتشر شده است. اگر با این ناشران برخورد هم می‌کردند، می‌گفتند مجوز داریم. بنابراین ارشاد باید مکانیزمی برای مقابله با این موضوع فراهم کند. پیش‌تر وزارت ارشاد در این زمینه وعده‌هایی داده بود که به نظر می‌رسد در دولت جدید هم اهتمامش هست اما نمی‌دانم تا چه حد ادامه دارد.

اگر در مسیر مجوز کتاب، مشابه‌یابی شود که خدای نکرده کتاب رونویسی نباشد، کمتر شاهد این مسئله خواهیم بود. امسال یکی از گله‌های جدی ناشران ما این بود که چندده ناشر هستند که کاملاً

محمدعلی اسلامی ندوشن؛

وجدان بیدار ادب فارسی معاصر

با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است."

حضرت استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، با بیش‌از ۷۰ اثر نوشتاری مفید و موثر اعمار کتاب و مقالات بسیار و "نوشته‌های بی‌سرنوشت"، در واقع، سهم خود را به‌عنوان یک شهروند ایرانی در راستای انجام وظیفه‌ی همگانی که جملگی ما ایرانیان داریم در قبال حفظ و پاسداری از اصل پانزدهم قانون اساسی، ادا کرد و اکنون که از میان ما رخت برپسته است، خود، مدیون ایرانیان که نیست، هیچ! بلکه نامداری و نکوداشت حضرت استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، حق او و قدردن‌سازی از یک عمر زحمات بی‌دریغ و بی‌شائبه‌ی هموست.

مگر نه این‌که زندگی عشق است و دیگر هیچ! پس بیاییم به "نوشته‌های بی‌سرنوشت" ببیندیشیم و درباره‌ی آنچه "گفتیم و نگفتیم" کمی بیش‌تر از همیشه تأمل و درنگ کنیم. کلمه‌ها‌یِ قصار را واژه‌رایی کنیم. "سخن‌ها را بشنویم." از "مرزبیار ناپیدا" عبور کنیم تا "روزها: سرگذشت" ما را تغییر دهد و وجدان‌های بیدار جامعه‌ی ادبی ایران‌زمین، از فردوسی تا مولوی و سعدی و حافظ را بشناسیم و با شناختی دقیق و معرفتی از حضرت استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، وجدان بیدار ادب فارسی معاصر را ق‌قدران باشیم.

به بالا می‌روی آرام و آرام
من اینجا دیر ماندم، دور ماندم
به زنجیر امید ناسرانجام
تو بودی، من نبودم
حضرت استاد، زیاد می‌نوشت که "ایران را از یاد نبریم"؛ ایران‌دوست بود. وطن‌خواه بود. خدا کند که ما ایرانیان دوست‌دار وطن، حضرت استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن را از یاد نبریم.



مشخص‌اند و در بخش‌های مختلف نمایشگاه کتاب‌های پر فروش ناشران دیگر را می‌فروشند. رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران با تأکید بر این که مشکل کتاب‌های کپی از قبل هم بوده گفت: قبلا در نمایشگاه با برخوردهایی که با این ناشران انجام می‌شد، بعد از یکی دو روز اول ناشران خود را جمع‌وجور می‌کردند و یا کلا جمع می‌شدند اما امسال به علت این‌که کار نو بود، ادامه پیدا کرد. نمایشگاه کتاب امسال از دو مسیر، حضوری و فیزیکی انجام می‌شد که کار را دشوار می‌کرد. هم ناشران و هم مجریان برای پشتیبانی از دو نمایشگاه تحت فشار بودند. این اتفاق تجربه جدیدی بود. باید ارزیابی شود که دفعه دیگر انجام شود یا نه؟ عواقب آن چیست؟ باید زمان بگذرد و دوستان آسیب‌شناسی و تجزیه و تحلیل کنند و کاستی‌های آن مشخص شود که سال بعد تکرار نشود.حسن‌پور درباره موضع اتحادیه ناشران و کتابفروشان درباره کتاب‌فروشی‌ها و وارد شدن آسیب‌هایی که به برگزارِی نمایشگاه کتاب به‌این‌صنّف مطرح می‌شود، توضیح داد: دقیقاً مشکل ما الان این است. با برگزاری نمایشگاه کتاب بخشی از صنف نشر اترمیم می‌کنیم و زخم بخش دیگر بیرون می‌زند و ممکن است حادثه هم شود. باید ریشه‌ای با این مسائل برخورد کرد. هر سال که نمایشگاه برگزار می‌شود، دو سه هفته درباره این ماجرا صحبت می‌شود و بعد از نمایشگاه هم می‌شود.او ادامه داد: باید نسبت به این موضوع توجه اساسی داشت که کتابفروشی یکی از رکن‌های صنعت نشر است؛ اگر سیاست‌گذاری همسانی در این دو بخش داشته باشیم، اگر روز هم نمایشگاه کتاب همراه فروش بگذارید، فکر نمی‌کنم هیچ کتابفروشی‌ای اعتراض کند اما در طی سال چند بار نمایشگاه مجازی و استانی داریم، سایت‌های فروش کتاب داریم، خود ناشران می‌توانند به راحتی به این سایت‌های مجازی هم کتاب را با تخفیف می‌فروشند، خب کتابفروش در این میان تحت‌فشار قرار می‌گیرد و نمی‌تواند تعهدات خود را انجام دهد و حتی کار کتابفروشی دیگر مقرون به صرفه نخواهد بود. باید سیاستی اتخاذ شود که زنجیره نشر به زنجیره منفصلی تبدیل نشود. سال‌ها پیش بینی ما این بوده با مسیری که می‌رویم، منافع بخش‌های مختلف نشر را در تضاد می‌کنند که منافع ناشران و کتابفروشان در تضاد است در حالی که این‌طور نیست و این‌ها کاملاً به هم ربط دارند و اکثر کتابفروشان ناشر هستند زیرا کاری کاملاً پیوسته با نشر است و نمی‌شود این‌ها را از هم جدا کرد.